

Research Article

**A Comparative Study of the Views and Thoughts of
Professor Morteza Motahari and Herbert Spencer
on Social Evolution**

Zeinab Baseri¹

Asghar Mohammadi²

Received: 15/08/2022

Accepted: 03/04/2023



Abstract

The main purpose of this study is a comparison between social evolution with the interpretation and words of Professor Motahari and Herbert Spencer's point of view. The method used in this study is descriptive-comparative and the means of collecting data is, authentic documents, evidence, books and articles through library method. The results of this research show that, although Spencer's evolutionary approach is different from Motahari's view on the concept of evolution, both of them have dealt with this concept with two different views. One with a religious view influenced by the religious teachings of Islam and some social and religious thinkers such as Allameh Tabatabaei and the other with a

1. Assistant Professor, Department of Sociology, Dehagan Branch, Islamic Azad University, Dehagan, Iran (corresponding author). asghar.mo.de@gmail.com.

2. PhD student in Sociology of studying Iran's social issues, Dehagan Branch, Islamic Azad University, Dehagan, Iran. zoha.k1363@gmail.com

* Baseri, Z., & Mohammadi, A. (1402 AP). A Comparative Study of the Views and Thoughts of Professor Morteza Motahari and Herbert Spencer on Social Evolution. *Journal of Islam and Social Studies*, 10(40), pp. 135-157. DOI: 10.22081/JISS.2023.64586.1945

● © Author (s). This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution-Non Commercial 4.0 International License (<http://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0/>) which permits copy and redistribute the material just in noncommercial usages, provided the original work is properly cited.

sociological approach and influenced by the ideas of Darwin and Lamarck. For example, they both share the definition of social evolution, which means more diversity and division of labor, as well as not believing in unilinear evolution. However, from Shahid Motahari's point of view, social evolution emerges through collective agreements and adaptations, not through differences and contradictions; But Spencer sees the evolution of society as the result of political and regional wars.

Keywords

Evolution, Social Evolution, Herbert Spencer, Professor Motahari.

مقاله پژوهشی

بررسی مقایسه‌ای آراء و اندیشه‌های استاد مرتضی مطهری و هربرت اسپنسر در باب تکامل اجتماعی

اصغر محمدی^۲

زینب باصری^۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۱/۱۴

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۵/۲۴

چکیده

هدف اصلی این پژوهش، مقایسه‌ای میان تکامل اجتماعی با تفسیر و بیان استاد مطهری و دیدگاه هربرت اسپنسر است. روش مورد استفاده در این مطالعه، توصیفی-تطبیقی بوده و ابزار جمع‌آوری اطلاعات، اسناد، مدارک، کتاب‌ها و مقالات معتبر و با روش کتابخانه‌ای بوده است. مطابق با نتایج این پژوهش، گرچه رویکرد تکاملی اسپنسر با نگاه استاد مطهری به مفهوم تکامل، متفاوت است، هر دو با دو نگاه متفاوت به این مفهوم پرداخته‌اند؛ یکی با نگاه دینی متأثر از آموزه‌های دینی اسلام و برخی از اندیشمندان اجتماعی و دینی همچون علامه طباطبائی^{ره} و دیگری با رویکرد جامعه‌شناختی و تحت تأثیر اندیشه‌های داروین و لامارک به این موضوع پرداخته است؛ برای نمونه هر دو در تعریف تکامل اجتماعی که به معنای تنوع و تقسیم کار بیشتر است و همچنین اعتقاد نداشتن به تکامل تک‌خطی با هم اشتراک دارند؛ اما از دیدگاه استاد مطهری تکامل اجتماعی از راه وفاق‌ها و سازگاری‌های جمعی پدید می‌آید، نه از راه تفاوت‌ها و تضادها؛ ولی اسپنسر تکامل جامعه را نتیجه جنگ‌های سیاسی و منطقه‌ای می‌داند.

کلیدواژه‌ها

تکامل، تکامل اجتماعی، هربرت اسپنسر، استاد مطهری.

۱. دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی بررسی مسائل اجتماعی ایران، واحد دهقان، دانشگاه آزاد اسلامی، دهقان، zoha.k1363@gmail.com ایران.

۲. استادیار گروه جامعه‌شناسی واحد دهقان، دانشگاه آزاد اسلامی، دهقان، ایران (نویسنده مسئول). asghar.mo.de@gmail.com

* باصری، زینب؛ محمدی، اصغر. (۱۴۰۲). بررسی مقایسه‌ای آراء و اندیشه‌های استاد مرتضی مطهری و هربرت اسپنسر در باب تکامل اجتماعی. فصلنامه علمی-پژوهشی اسلام و مطالعات اجتماعی، ۱۰(۴۰)، صص ۱۳۵-۱۵۷.

DOI: 10.22081/JISS.2023.64586.1945

©Author(s).



۱۲۵

مقدمه

از دیدگاه استاد مطهری واژه «کمال» را باید از واژه «تمام» تمییز داد. واژه تمام زمانی به کار می‌رود که هر آنچه برای اصل وجود یک شیء و تحقق ماهیت آن مورد نیاز است، حاصل شده باشد؛ اما کمال یک شیء پس از تحقق ماهیت آن و مربوط به کسب درجه‌های بالاتر و ارتقای سطوح آن موجود در مرتبه‌های ممکن خود است. تمام‌شدن جهت افقی دارد و کمال بیانگر سیر عمودی است (مطهری، ۱۳۹۲، صص ۱۴-۱۶). نظریه تکامل اجتماعی در فلسفه یونانی و در آرای فیلسوفان مشهوری مانند امپدوکلس^۱ در سده پنجم قبل از میلاد ریشه دارد و برخی دانشمندان مسیحی نظیر سنت اگوستین در سده چهارم و پنجم میلادی به تکامل جهان تحت اراده الهی معتقد بودند؛ همچنین در بین آثار صاحب‌نظران اسلامی نظیر ابن‌خلدون و در رسالات اخوان صفا در سده هفتم در مورد تکامل تدریجی موجودات زنده بحث شده است. در سده هجدهم، بوفن و کانت از نخستین کسانی بودند که درباره تحول و دگرگونی جهان تذکر دادند (آزاد ارمکی، ۱۳۸۱، ص ۸۷). استاد مطهری معتقد است جوامع بشری نیز همانند افراد انسانی در صورتی در فرایند تکامل قرار می‌گیرند که هر چه بیشتر از طبیعت و نهادهای اقتصادی و اجتماعی استقلال یابند و به عقیده، ایمان و ایدئولوژی وابستگی پیدا کنند. سیر تکامل جامعه بشری به همین سمت است، آن‌چنان که جوامع بدوی وابستگی بیشتری به گرایش طبیعی، حیوانی و مؤلفه‌های اقتصادی و اجتماعی داشت و بشر امروز بیشتر به ایدئولوژی‌های جدید تعلق دارد و بر اساس آن در مسیر تکامل و توسعه قرار می‌گیرد (مطهری، ۱۳۹۰، ج ۱، صص ۳۶، ۳۷ و ۴۴). نظریه‌های تکامل اجتماعی در جامعه‌شناسی، یکی از نظریه‌های موجود در بررسی دگرگونی‌های اجتماعی است و به‌نحوی تعدادی از تغییرات تراکمی مهم تاریخ اجتماعی انسان را ترسیم کرده‌اند؛ مانند زیست‌شناسانی که با تکامل ارگانسیم زنده سر و کار داشتند، جامعه‌شناسان، جامعه را به صورت گذار از یک سری مراحل می‌دیدند. این اندیشه با پیشرفت، توسعه و تکامل عجین شده بود و

1. Empedocles.

معتقد بودند که مراحل بعدی نمایانگر مرحله بالاتری از تکامل اجتماعی است و توسعه رو به جلوی الگوهای اجتماعی را در ظرف زمان مورد توجه قرار می‌دادند (واگو، ۱۳۷۳، ص ۳۸)؛ این نظریه‌ها اهمیت خاص تغییراتی را که از سده هفدهم به بعد در اروپا به وقوع پیوستند و بر زندگی اجتماعی انسان در سراسر جهان و بر توسعه علم جدید و صنعت تأثیر گذاشتند را باز شناختند (باتومور، ۱۳۵۶، ص ۳۳۴). بر اساس آنها جوامع ابتدا ساده بودند و سپس به سوی پیچیدگی حرکت کردند و در عین حال تمایز یافتند. این پیچیدگی و تمایز حوزه‌های گوناگون زندگی اجتماعی، باعث انطباق هرچه بیشتر آنان با محیط شد (شکاری، ۱۳۸۶، ص ۶۴). در سده ۱۹ با ظهور اسپنسر که به منزله پدر تکامل‌گرایان کلاسیک تلقی می‌شود و دیگر جامعه‌شناسان، نظریه تکامل اجتماعی به نهایت گسترش خود رسید. اسپنسر جامعه را مشابه هر ماده‌ای شامل جاندار یا بی‌جان تابع قوانین تکامل می‌دانست. او نظریه تکامل اجتماعی‌اش را در آثار اجتماعی‌اش مانند مطالعه‌های جامعه‌شناسی و اصول جامعه‌شناسی تحلیل کرده است (کینگ، ۱۳۴۹، ص ۳۵).

۱. وضعیت اجتماعی و سیاسی در دوران زندگی استاد مطهری و هربرت اسپنسر

اشاره به یک نکته در ابتدای این بخش مهم به نظر می‌رسد مهم و آن هم اینکه برای مطالعه اندیشه و تفکرات اندیشمندان و جامعه‌شناسان، توجه به اوضاع اجتماعی و سیاسی دوران زندگی آنها که در بیان مبانی فکری و اجتماعی آنان تأثیر داشته، دارای اهمیت است. در دوران زندگی اسپنسر، تحولات اقتصادی، اجتماعی و سیاسی اروپا و به‌ویژه انگلستان همچون بروز اندیشه‌های لیبرالیستی، تعارضات سیاسی و از جمله جنگ‌های اروپایی در قرن نوزدهم، فاصله و شکاف بین کشورهای صنعتی اروپایی و دیگر کشورها از لحاظ تکامل، پیشرفت و ... در تفکر، اندیشه‌ها و دیدگاه‌های وی تأثیر داشته است. از سوی دیگر در دوره زندگی استاد مطهری که معاصر با دوران حکومت پهلوی و اوایل انقلاب اسلامی است توجه به مسائلی چون عقب‌ماندگی کشور در عرصه‌های صنعتی، کشاورزی و ...، استبداد حکومت پهلوی، وابستگی کشور، نهضت امام خمینی علیه السلام در دهه ۴۰ و ۵۰، پیروزی انقلاب اسلامی و مسئله پیشرفت و توسعه کشور لازم و ضروری است؛ بنابراین با

توجه به موارد یادشده، افزون بر مبانی فکری، موقعیت و شرایط اقتصادی، اجتماعی و سیاسی نیز بر اندیشه‌های این دو متفکر تأثیرگذار بوده است. در اینجا پیوند وضعیت اجتماعی و سیاسی با موضوع تکامل این است که با وجود پیشرفت در جوامع اروپایی به‌ویژه انگلستان، در آنها رویکرد تکامل اجتماعی به وجود نیامده بود؛ زیرا وقتی صحبت از تکامل اجتماعی به میان می‌آید لازمه کار این است که این تکامل در بین اقشار گوناگون اجتماعی و عمومی باشد؛ درحالی که بنا به دلایل متعدد از جمله نابرابری‌های اجتماعی، شکاف طبقاتی، شکاف نژادی بین سیاهان و سفیدان و ... این مهم عملی نگردیده است.

۲. دیدگاه محوری استاد مطهری در مورد تکامل

از دیدگاه استاد مطهری هیچ موجودی در جهان محسوس به یک حال باقی نمی‌ماند یا در حال رشد و تکامل است و یا در حال فرسودگی و انحطاط و این خاصیت نیز شامل عموم موجودات این جهان می‌باشد (مطهری، ۱۳۷۰، ص ۷۷). به‌طور کلی دیدگاه‌های استاد مطهری در رابطه با تکامل را می‌توان به ۵ بخش تقسیم کرد که در ادامه هر کدام شرح داده می‌شوند.

۲-۱. تشبیه جامعه به بدن موجود زنده

از نظر استاد مطهری، ترکیب اجتماع، یک ترکیب منحصر به فرد بوده و حالت «وحدت در عین کثرت و کثرت در عین وحدت» بر جامعه حاکم است. استقلال فرد در جامعه محفوظ است و در عین حال جامعه دارای شخصیت، روح، عاطفه و احساس می‌باشد (مطهری، ۱۳۶۹، ص ۱۱۸). از دیدگاه استاد مطهری علاوه بر شباهت‌هایی که جامعه و موجودات زیستی دارند دارای تفاوت‌های مهمی نیز هستند؛ در جدول ۱ به شباهت‌ها و تفاوت‌ها از دیدگاه ایشان در مقابل دیدگاه هربرت اسپنسر پرداخته شده است.

۲-۲. فطرت و تکامل

از دیدگاه استاد مطهری، فطریات ادراکی انسان هر چند که به‌صورت بالفعل از

ابتدای تولد به شکل ادراکی در او موجود نیستند، ولی قوه و استعدادی به شمار می‌آیند که پس از ورود انسان به حوزه اجتماع در قالب بعضی احکام خود را نشان می‌دهند. از سوی دیگر گرایش‌های فطری انسان که تاکنون شناخته شده‌اند، به پنج دسته تقسیم می‌شوند: گرایش به حقیقت‌جویی و دانش، گرایش به خیر و فضیلت، گرایش به زیبایی، گرایش به ابتکار و خلاقیت، گرایش به عشق و پرستش. معیار تمایز این گرایش‌ها از دیگر امیال انسان این است که آنها مبتنی بر «خودمحوری» نیستند، «آگاهانه‌اند» و توأم با حس «قداست» انسان در مورد خود هستند (حسین‌زاده یزدی و حسینی روحانی، ۱۳۹۴). کمال انسان با محوریت ابعاد جسمی و روحی او قابل تعریف است. هر آنچه در مکاتب مختلف، معیار انسانیت و تمایز انسان از دیگر موجودات قرار می‌گیرد، در ساحت معیار و ملاک کمال نیز از اولویت برخوردار می‌شود. فطریات انسان به‌عنوان ویژگی‌های خاص و تمایز بخش روح او می‌توانند محور دیدگاه‌های تکاملی روح محور قرار گیرند (حسین‌زاده یزدی و حسینی روحانی، ۱۳۹۴، ص ۴۷).

۲-۳. توحید و تکامل

استاد مطهری از منظر الهیات اسلامی به بحث خلقت تدریجی می‌نگرد و بر آن است که از نظر قرآن کریم، «خلقت یک امر آنی نیست»، بلکه به تدریج رخ می‌دهد. افزون بر آن، باور به خلقت دفعی و آنی، «یک طرز فکر یهودی است» که معتقد است دست خدا پس از خلقت بسته است. با این حال این پندار به مسلمانان نیز سرایت کرد و متأسفانه متکلمان اسلامی هم تحت تأثیر همین فکر یهودی قرار گرفتند و خلقت را امری دفعی تصور کردند (مطهری، ۱۳۷۶، ج ۱۳، ص ۵۸)، بی‌توجهی به شأن بحث فلسفی یا دینی و علمی و رعایت نکردن حریم بحث‌ها موجب شده است تا عده‌ای بدون داشتن دانش لازم و با داشتن پیش‌فرض‌های تأییدنشده و گاه خطا وارد منازعه در یک مسئله علمی می‌شوند. استاد مطهری هشیارانه بر این خطا انگشت می‌گذارد و اعلام می‌کند که نمی‌خواهیم مرتکب همان اشتباهی بشویم که دیگران شده و به‌عنوان حمایت از حریم توحید در مقام رد و نقض اصول و قوانین تکامل برآمده‌اند (مطهری، ۱۳۷۶، ج ۱۳، ص ۶۴)؛ در واقع،

رویکرد تکامل اجتماعی ایشان با اسپنسر متفاوت است. استاد مطهری با نگاه و رویکردی قرآنی و اسلامی و تحت تأثیر استادش علامه طباطبایی رحمته الله علیه به مسئله تکامل توجه داشته و خاستگاه آفرینش جسمانی انسان را از خاک می‌داند.

۲-۴. تأثیرپذیری استاد مطهری از دیگر دانشمندان و تأثیرگذاری ایشان

این نکته قابل تأمل است که اندیشه‌های استاد مطهری به‌ویژه تکامل اجتماعی تحت تأثیر دو رویکرد سنت قرآن و معصومین علیهم‌السلام و برخی از اندیشمندان اجتماعی و دینی همچون علامه طباطبایی است؛ درحالی‌که اسپنسر بیشتر تحت تأثیر دیدگاه و اندیشه‌های داروینی و لامارک بوده است؛ به بیان دیگر اندیشه‌های استاد مطهری تبلور یافته از دو منظر اسلامی (قرآن و معصومین) و برخی از اندیشمندان اسلامی و شرقی بوده و این مبحث به‌طور خاص بر تکامل اجتماعی مطهری تأثیر داشته است.

۲-۵. دیدگاه محوری هربرت اسپنسر در مورد تکامل

اسپنسر کلید شناخت جهان را «فهم تکامل» می‌دانست که بدون خواست انسان در جریان است و انسان تأثیری بر روند آن ندارد. رابرت جی پیرین^۱ چهار تعریف اسپنسر از تکامل را از یکدیگر متمایز می‌کند که عبارت‌اند از: ۱. تکامل به معنای جهت‌گیری انسان به سمت نظم اجتماعی آرمانی است؛ ۲. تکامل اجتماعی به معنای تمایز گذاشتن بین مجموعه‌های اجتماعی در قالب خرده نظام‌های کارکردی است؛ ۳. تکامل اجتماعی به معنای تقسیم کار فزاینده است و ۴. تکامل اجتماعی به معنای رشد تنوع در جامعه است (کسلر، ۱۳۹۴، ج ۱، صص ۵۹-۶۶).

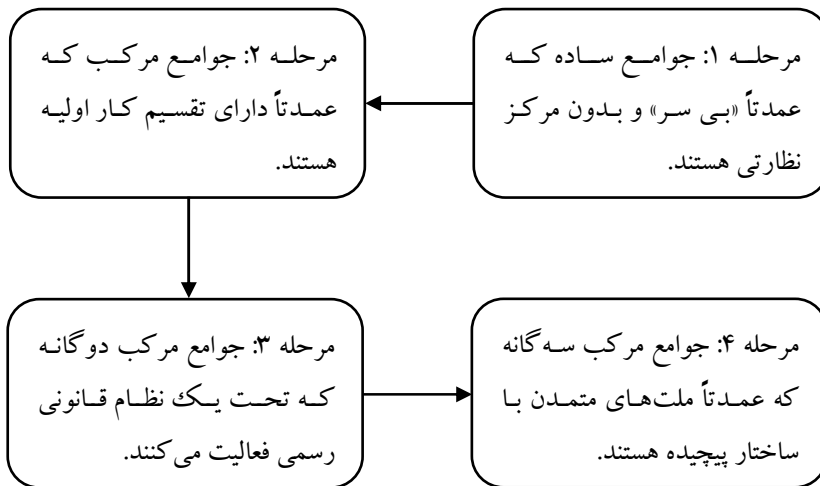
وی تکامل جامعه را به عنوان نتیجه ستیزهای سیاسی و منطقه‌ای می‌دانست؛ در واقع او از اولین جامعه‌شناسانی بود که اهمیت جنگ و ستیز را در الگوهای داخلی سازمان اجتماعی یک جامعه درک نمود (ترنر و بیگلی، ۱۳۸۴، ص ۶۷). همان‌طور که مشخص است

1. Robert J. Pirin

نظریات اسپنسر با تغییر تکاملی در ساختارها و نهادهای اجتماعی مرتبط بوده است (Abraham & Morgan, 1985, p. 59). به طور کلی نظریه تکاملی اسپنسر را می‌توان به ۴ بخش ذیل تقسیم کرد که در ادامه هر کدام شرح داده می‌شوند.

۳. مراحل تکاملی جوامع

به باور اسپنسر، تمام جوامع باید فرایند تکاملی نشان داده‌شده در شکل ۱ را طی کنند (Dewan Mahboob & Mustari, 2012, p. 60).



شکل ۱- مراحل پیچیدگی ساختاری جوامع از دیدگاه هربرت اسپنسر

۴. شباهت‌ها و تفاوت‌های جامعه و موجود زنده از دیدگاه استاد مطهری

شباهت‌ها

۱. جامعه مثل اندام زنده‌ای است که یک روح کلی بر آن حاکم است.
۲. همان طوری که پیکر، مجموعه‌ای از اعضا و جوارح است و هر عضو وظیفه‌ای دارد، جامعه هم از مجموع افراد تشکیل می‌شود و مجموع کارهای مورداحتیاج جامعه

به صورت شغل‌ها و حرفه‌ها میان اصناف و افراد تقسیم می‌شود.
 ۳. پیکر سلامت و بیماری دارد، جامعه نیز سلامت و بیماری دارد، پیکر توگد و انحطاط و موت دارد، جامعه نیز همین‌طور است (مطهری، ۱۳۶۹، ص ۱۱۸).

تفاوت‌ها

۱. اعضای پیکر، هر کدام محل ثابت و مقام معلومی دارند، تغییر پست و شغل نمی‌دهند، اما افراد اجتماع این‌طور نیستند.
 ۲. در پیکر به‌طور طبیعی کارها تقسیم شده و مکان‌ها معین گردیده است، اما در اجتماع باید این کار به دست خود بشر انجام شود؛ خودشان در بین همدیگر کارها را تقسیم کنند و به عبارت دیگر، میدان عمل برای همه وسیع است (مطهری، ۱۳۶۶، صص ۲۰ - ۲۱).

۵. شباهت‌ها و تفاوت‌های جامعه و موجود زنده از دید هربرت اسپنسر

شباهت‌ها

۱. جنین دارای یک قسمت مشخص است اما وقتی که بزرگ‌تر می‌شود، اندام‌هایش زیادتر شده و هر کدام به تفکیک کاری انجام می‌دهند؛ در جامعه نیز در ابتدا نبود همانندی در میان گروه‌های آن است، اما وقتی که جمعیت افزایش می‌یابد، تفکیک نیز بیشتر می‌شود (ازکیا و غفاری، ۱۳۸۷، ص ۱۴۳).
 ۲. در هر دوی آنها اجزا و کل با یکدیگر مرتبط‌اند، به طوری که تغییر در هر جزء باعث تغییر در اجزای دیگر می‌شود.
 ۳. در هر دوی آنها هر جزیی از کل، به خودی خود، جامعه یا اندامی کوچک است.
 ۴. در هر دوی آنها حیات کل می‌تواند نابود شود، در صورتی که اجزا می‌توانند تا مدتی به زندگی خود ادامه دهند (توسلی، ۱۳۷۰، ص ۲۱۳).

تفاوت‌ها

۱. اجزاء جامعه انسانی آزادی بیشتری دارند و کل مستحکم‌تری را تشکیل می‌دهند.
 ۲. در اندام تعدد و تفاوت کارکردها به نحوی است که برخی از اجزا به صورت مرکز

احساس و اندیشه انجام وظیفه می کنند، ولی در اندام اجتماعی چنین تفاوتی وجود ندارد.
۳. در اندام، اجزا برای مصلحت کل پدید آمده‌اند با آنکه در جامعه انسانی کل جامعه به منظور ارضا نیازهای افراد به وجود آمده است (توسلی، ۱۳۷۰، ص ۲۱۳).

۶. شباهت‌ها و تفاوت‌های انسان کامل و غایی

استاد مطهری

انسان کامل اسلامی، انسانی است که تمام ارزش‌های انسانی، هماهنگ با هم در او رشد کرده باشد و رشدشان به حد اعلا برسد. کامل انسان با فرشته فرق می‌کند؛ کامل انسان، کمال در تعادل و در توازنش می‌باشد؛ یعنی این همه استعداد‌های گوناگون که در او هست، این انسان آن‌گاه انسان کامل است که به سوی یک استعداد فقط گرایش پیدا نکند و استعداد‌های دیگرش را مهمل و معطل نگذارد (حاجی صادقی، ۱۳۸۲).

هربرت اسپنسر

انسان کامل و غایی کسی خواهد بود که الزامات خصوصی او با الزامات عمومی‌اش منطبق باشد. او نوعی از انسان خواهد بود که در تحقق خود به خود ماهیتش، عیناً وظایف واحد اجتماعی را انجام می‌دهد. این انسان‌ها به عنوان «اصلح» تلقی می‌شوند و بدون دخالت دولت می‌توانند در جامعه تعادل ایجاد کنند. طبیعت تمایل به دور انداختن افراد ناشایست دارد و در نهایت شایسته‌ترین‌ها زنده خواهند ماند (اسپنسر، ۱۸۹۹م، ص ۳۳۱؛ به نقل از: Dewan Mahboob & Mustari, 2012, p. 62).

۷. مقایسه دیدگاه‌های تکامل جامعه بشری استاد مرتضی مطهری و هربرت اسپنسر

استاد مطهری

ایشان تکامل جوامع بشری را با توجه به روحانیه‌البقا بودن نفس انسان مطرح می‌کند. به اعتقاد وی جوامع بشری نیز همانند افراد انسانی در صورتی در فرایند تکامل قرار می‌گیرند که هر چه بیشتر از طبیعت، نهادهای اقتصادی و اجتماعی استقلال یابند و به

عقیده، ایمان و ایدئولوژی وابستگی پیدا کنند. سیر تکامل جامعه بشری به همین سمت است، آن‌چنان‌که جوامع بدوی وابستگی بیشتری به غرایز طبیعی، حیوانی و مؤلفه‌های اجتماعی و اقتصادی داشت و بشر امروز بیشتر به ایدئولوژی‌های جدید تعلق دارد و بر اساس آن در مسیر توسعه و تکامل قرار می‌گیرد؛ براین‌د جوامع انسانی درنهایت به سمت تکامل و استقلال بیشتر از وابستگی‌های مادی و کسب آزادی معنوی است؛ به‌طوری‌که در پایان تاریخ اوج آزادی معنوی انسان و استقلال روح او از اقتضائات مادی تحقق می‌یابد (مطهری، ۱۳۷۵، صص ۲۲۵-۲۲۷). انسان نوع واحد است و به‌اندازه‌ای که می‌توان از تکامل اجتماعی و تمدنی بشر در طول تاریخ سخن گفت، این امکان در باره تکامل زیستی او وجود ندارد. انواع تکامل در جنبه‌های گوناگون زندگی انسان، به ابعاد مادی وجود او تقلیل پذیر نیست و به جنبه‌های معنوی، روحی و اجتماعی او باز می‌گردد (مطهری، ۱۳۷۵، ص ۴۹).

هربرت اسپنسر

وی تلاش کرده است تا جوامع را بر اساس مراحل تکاملی آنها طبقه‌بندی کند:

۱. جوامع ساده که اجزای آن بدون وجود یک مرکز نظارتی، برای اهداف عمومی مشخص با هم کار می‌کنند. این جوامع «بی‌سر»^۱ هستند؛ به این معنا که در آنجا سبک رهبری به طور عمده رهبری ناپایدار است.
۲. جوامع مرکب به دلیل اتحاد دو یا چند جامعه ساده (ممکن است به صورت مسالمت‌آمیز یا در نتیجه جنگ باشد)، به وجود می‌آیند. این جوامع به طور عمده دارای تقسیم کار اولیه و سکونت دائمی هستند (Adams & Sydie, 2001, p. 71).
۳. جوامع مرکب دو گانه که در آن سازمان‌های سیاسی یک نظام قانونی رسمی، پیچیده‌تر می‌شوند.
۴. جوامع مرکب سه گانه که در واقع ملت‌های متمدن بزرگی هستند که در آنها پیچیدگی ساختارها و افزایش وابستگی مشترک آشکارتر می‌شود (Adams & Sydie, 2001, p. 72).

1. Headless.

همچنین با توجه به اهداف سازمانی، جوامع به دو دسته جوامع مبارز و جوامع صنعتی تقسیم می‌شوند. مشخصه جوامع مبارز «اجبار» است که از آن به عنوان «همکاری اجباری» یاد می‌شود و «اراده شهروندی در همه معاملات، تحت سلطه اراده دولت است (کوزر، ۱۳۷۹، ص ۹۳)؛ از طرفی مشخصه جامعه صنعتی بر اساس «همکاری داوطلبانه» است و به جای استقلال اقتصادی دولت، تجارت آزاد تشویق می‌شود و انعطاف‌پذیری و شغل وجود دارد (کوزر، ۱۳۷۹، ص ۹۵).

نقدهای مطرح‌شده در دیدگاه تکاملی هربرت اسپنسر

اگرچه نظریه‌های هربرت اسپنسر در زمان حیاتش مورد تحسین قرار گرفت، اما با گذشت زمان با انتقادات گسترده اندیشمندان مواجه شد. در این بخش به انتقادات مربوط به دیدگاه‌های هربرت اسپنسر پرداخته می‌شود.

نقدهای مطرح‌شده در شباهت جامعه و اندام‌واره‌های زیستی

مقایسه جامعه و اندام‌واره‌های زیستی توسط هربرت اسپنسر، انتقادهای زیادی را از سوی اندیشمندان دیگر برانگیخت؛ مونک^۱ بیان می‌کند که «نظریه تکاملی اسپنسر از تصور اقتصادی و طبیعت‌گرایانه بسیار محدود خود رنج می‌برد» تکامل به‌عنوان فرایندی طبیعی و خودکار تلقی می‌شود که در آن جامعه از طریق تقسیم کار از نظر اقتصادی ارتقا می‌یابد. آنچه اسپنسر قادر به توضیح آن است تنها بخش کوچکی از تقسیم کار رو به پیشرفت است و چیزی فراتر از آن نیست» (Munch, 1994, pp. 54-55). موری^۲ (Murray, 1929, vol. 2, p. 38) استدلال کرد که «جامعه در واقع یک اندام‌واره است، اما اندام‌واره‌ای است که در افکار و احساسات اعضای خود تا حدی وجود دارد که اسپنسر آمادگی پذیرفتن آن را نداشت» (Szacki, 1979, p. 217).

1. Munch.

2. Murray.

نقدهای مطرح شده در «جامعه صنعتی غایی و نظم اجتماعی»

اینکه آیا یک جامعه صنعتی در نهایت می‌تواند نظم و هماهنگی اجتماعی ایجاد کند یا خیر، جای تردید است. مارکس نشان داده است که گسترش جامعه سرمایه‌داری صنعتی نمی‌تواند وضعیت اجتماعی هماهنگ را ایجاد کند؛ بلکه شکاف قدرت و اختلاف طبقاتی به وجود می‌آورد (Dewan Mahboob & Mustari, 2012, p. 64)؛ مونک استدلال می‌کند: «دورکیم^۱ برخلاف اسپنسر تأکید کرد که تقسیم کار رو به پیشرفت به هیچ‌وجه باعث افزایش نشاط نمی‌شود. این رویه، رقابت برای منابع کمیاب را تشدید می‌کند و پیوندهای سنتی را از هم می‌پاشد؛ این اثرات تقسیم کار رو به رشد، ناراحتی زیادی را به همراه دارد» (Munch, 1994, p. 54).

نقدهای مطرح شده در مفاهیم «بقای اصلح» و «عدم دخالت دولت»

تصور اسپنسر از بقای شایسته‌ترین‌ها و حذف ناشایست‌ها، به‌ویژه افراد فقیر، به‌عنوان یک اندیشه سؤال‌برانگیز در جامعه پیشرفته ظاهر می‌شود. اگرچه وی از نوع دوستی فردی حمایت می‌کرد، اهمیت دخالت دولت در کاهش فقر را انکار می‌کرد. رهاکردن مردم فقیر در شرایط خود و اجازه‌دادن به حذف آنها در واقع یک رویکرد غیرانسانی است. جوامع پیشرفته در بیشتر موارد نمی‌توانند این رویکرد را اعمال کنند. از طرفی کاهش فقر تنها با تکیه بر مشارکت افراد و بدون مداخلات و ابتکارات از سوی دولت دشوار است. ضمن اینکه در بسیاری از کشورها، ابتکارات دولت در کاهش فقر متمرثر بوده است؛ بنابراین افراد «ناشایست» این جوامع با کمک مداخلات دولت برای زندگی در جامعه «شایسته» شدند. پس از گذشت بیش از صد سال از مرگ اسپنسر، با تحلیل وضعیت کنونی جامعه می‌توان گفت: که عدم مداخله دولت ممکن است مشکلاتی را برای جامعه ایجاد کند و یک جامعه صنعتی نتواند «انسان غایی» را ایجاد کند (Dewan Mahboob & Mustari, 2012, p. 65).

1. Durkheim.

۸. تأثیرپذیری هربرت اسپنسر از دیگر دانشمندان و تأثیرگذاری وی

هربرت اسپنسر تحت تأثیر صاحب نظرانی از قبیل داروین، لامارک، اسمیت، چارلز لایل و کنت قرار گرفت و نظریه تکامل خود را بر ترکیبی از دیدگاه‌های مختلف عصر خود استوار کرد. هرچند روابط بین داروین و اسپنسر به گونه‌ای متقابل بوده است، اما وی با استفاده از اصل تنازع بقا و نیز به کارگیری اصل «انتخاب طبیعی»^۱ در اندیشه داروین، زیربنای نظریات اجتماعی خود را بنیان نهاد (تنهایی، ۱۳۷۴، ص ۱۶۰)؛ همچنین اسپنسر با متأثر شدن از نظرات جمعیت‌شناسانی از قبیل مالتوس^۲ و نیز اصولی که از علم فیزیک گرفته بود، شالوده‌های فلسفه اجتماعی خویش را بنیان نهاد؛ مالتوس با مطرح کردن اصل «تنازع بقا»^۳ جامعه را میدان جنگی می‌پنداشت که در آن انسان‌ها برای دستیابی به امکانات زندگی درگیر جنگ و نزاع هستند.

۹. وجوه اشتراک دیدگاه استاد مطهری و هربرت اسپنسر

اگرچه استاد مطهری و هربرت اسپنسر به لحاظ فکری و هستی‌شناسی با هم متفاوت‌اند، اما اشتراک دیدگاه این دو اندیشمند، در تعریف از تکامل اجتماعی بیشتر با رویکرد جامعه‌شناختی مدنظر نویسندگان است؛ برای مثال هر دو معتقدند که اجزا با کل در ارتباطند مثل بدن موجود زنده در جامعه. هر جزء (عضو) خود یک جامعه کوچک است و عناصر و اجزایی دارد.

تکامل اجتماعی از نظر استاد مطهری عبارت است از: باز شدن، شکفته شدن، گسترده شدن، توسعه پیدا کردن و کارایی بیشتر پیدا کردن. از نظر اسپنسر، تکامل اجتماعی به معنای تنوع و تقسیم کار بیشتر است؛ یعنی هرچه جوامع به سمت تقسیم کار بیشتر و تخصصی‌تر شدن کارها پیش بروند و روابط پیچیده‌تری به آنها حاکم گردد، کامل‌تر می‌شوند (مطهری، ۱۳۶۳، ص ۲۴۱؛ Nicholas, 1967).

1. Natural selection.
2. Malthus.
3. Struggle for existence.

برخلاف تصور غالب، هربرت اسپنسر یک معتقد بی‌چون و چرای پیشرفت پیوسته تک‌خطی نبود؛ وی در ابتدا معتقد به تکامل تک‌خطی و پیرو نظریهٔ اگوست کنت^۱ بود؛ بعدها تشخیص داده بود که اگرچه تکامل کلی نوع بشر امری قطعی است، از نظریه تک‌خطی در همه جوامع نمی‌توان دفاع کرد. اسپنسر در این رابطه می‌گوید: «پیشرفت اجتماعی نیز همچون انواع دیگر پیشرفت، تک‌خطی نیست، بلکه مسیرهای متنوعی دارد (کوزر، ۱۳۷۹، صص ۱۴۳-۱۴۴). این در حالی است که استاد مطهری افزون بر نقد نظریه تکامل خطی مارکس، نظریه تکامل خطی اگوست کنت، جامعه‌شناس فرانسوی را در تبیین دوره‌های سه‌گانه فکر بشر که شامل دوره ربّانی، فلسفی و علمی است، نقد می‌کند و می‌گوید: «اگر بخواهیم ادوار تفکر بشر را تقسیم‌بندی کنیم، باید افکار متفکران بشر را، نه توده و عامه را مقیاس دوره‌ها قرار دهیم. در اینجا است که می‌بینیم تقسیم‌بندی اگوست کنت سرتاپا غلط است. هرگز اندیشه بشری که متفکران هر دوره‌ای، نمایندگان آن هستند، این چنین سه دوره‌ای را طی نکرده است. از نظر متد اسلامی، همه این تفکرات در یک شکل خاص با یکدیگر قابل جمع هستند؛ یعنی یک فرد در آن واحد می‌تواند طرز تفکری داشته باشد که هم الهی باشد، هم فلسفی و هم علمی» (مطهری، ۱۳۷۵ الف، صص ۶۴-۶۶).

۱۰. افتراق دیدگاه استاد مطهری و هربرت اسپنسر

استاد مطهری در تعریف تکامل می‌گوید: «تکامل این است که یک شیء، یک مرتبه واقعیتی را داشته باشد. بعد در مرحله بعد، همان واقعیت را در درجه بالاتر داشته باشد. در واقع، تکامل، تعالی در وجود و اشتداد در هستی است؛ پس تکامل اجتماعی از راه وفاق‌ها، هماهنگی‌ها، تعاون‌ها، همسازی‌ها و سازگاری‌های جمعی پدید می‌آید، نه از راه نزاع‌ها و اختلاف‌ها و دعواها و تضادها (مطهری، ۱۳۶۳، ص ۲۷۶)؛ اما هربرت اسپنسر تکامل جامعه را نتیجه ستیزهای سیاسی و منطقه‌ای می‌دانست و معتقد بود کشمکش‌های

1. Auguste comte.

اجتماعی مانند جنگ یا رقابت برای تکامل جامعه اهمیت محوری دارد؛ در واقع او از اولین جامعه‌شناسانی بود که اهمیت جنگ و ستیز را در الگوهای داخلی سازمان اجتماعی یک جامعه درک نمود (ترنر و بیگلی، ۱۳۸۴، ص ۶۷).

تکامل‌گرایی نگرشی فلسفی و فرهنگی به کل عالم و همه پدیده‌های آن است که الگوی تکامل زیست‌شناختی را به دیگر عرصه‌ها گسترش می‌دهد. نمونه آن نگاهی تکاملی به ادیان است که بر اساس آن ادعا می‌شود یکتاپرستی به تدریج از دل چندخدایی برآمده است. استن هارتمن در مدخل «تکامل‌گرایی»، به تفصیل ابعاد و جلوه‌های این دیدگاه را بیان کرده است؛ اما داروینسم، در واقع تفسیری ایدئولوژیک و برتری‌طلبانه است که به طور عمد از سوی کسانی مانند هربرت اسپنسر ارائه و ترویج شده است، به همین سبب گاه از آن با عنوان اسپنسرسم یاد می‌شود (Hartmann, 2007, p. 687)؛ بنابراین آن‌گونه که از نظریات هربرت اسپنسر بر می‌آید، تکامل به طور مستقل و خارج از مشیت الهی و یا قدرت دیگری انجام می‌گیرد؛ اما اندیشه استاد مطهری ریشه در وحی و فلسفه الهی دارد و از طرفی با توجه به نظر ایشان، معیار تکامل جامعه، انسانیت است. وی بر مبنای نظریه فطرت و این‌که لازمه آن، پذیرش انسانیت است، تکامل جامعه بشری را در انسانیت انسان می‌داند (مطهری، ۱۳۶۶، ص ۸۴).

نتیجه‌گیری

در نتایج مطالعات انجام‌شده در این پژوهش در زمینه بحث تکامل اجتماعی از نظر هربرت اسپنسر و اندیشه‌های استاد مطهری می‌توان چنین مطرح کرد: از نظر نویسندگان، مسئله مورد بحث این بوده که دو متفکر مزبور، هر کدام چه نگاه و رویکردی به تکامل اجتماعی دارند: بالطبع نگاه استاد مطهری یک بینش اسلامی با رویکرد تکامل اجتماعی است، ولی نگاه اسپنسر تنها یک نگاه جامعه‌شناختی با رویکرد برگرفته از زیست‌شناسی داروین بوده است. در ضمن نگاه اسپنسر گرچه نگاه داروینی بوده، در تحلیل جامعه تنها بیولوژیکی نبوده که این امر در تقسیم جوامع به ساده، مرکب و مرکب دوگانه (پیچیده) و اشاره به ویژگی‌ها و مؤلفه‌های آن: تقسیم کار، به رهبری همگونی و ناهمگونی،

قوانین و ... پیداست که نگاه جامعه‌شناختی بوده است، نه تنها بیولوژیکی. این نکته قابل تأمل است که اندیشه‌های استاد مطهری به‌ویژه تکامل اجتماعی تحت تأثیر دو رویکرد سنت قرآن و معصومین علیهم‌السلام و برخی از اندیشمندان اجتماعی و دینی از قبیل علامه طباطبایی است، درحالی‌که اسپنسر بیشتر تحت تأثیر دیدگاه و اندیشه‌های داروینی و لامارک بوده است؛ به بیان دیگر اندیشه‌های استاد مطهری تبلور یافته از دو منظر اسلامی (قرآن و معصومین) و برخی از اندیشمندان اسلامی و شرقی بوده و این مبحث به طور خاص بر تکامل اجتماعی مطهری تأثیر داشته است.

افکار اسپنسر مجموعه‌ی سامان‌مند باورها و اندیشه‌های ایستای سیاسی و اجتماعی از آن جمله نظام‌های فکری، فلسفی بود؛ درواقع اسپنسر را می‌توان یک ایدئولوگ دانست؛ اگرچه ایده‌های وی برای زمان خود پیشرفته و افراطی بود، اکنون وی را جناح راست و محافظه‌کار می‌دانند. اسپنسر تکامل اجتماعی را با تقسیم کار فزاینده برابر انگاشت. به نظر وی رشد فزاینده جمعیت، تمایز اجتماعی روزافزون را ضروری می‌سازد. افزایش جمعیت توازن اجتماعی را برهم می‌زند و انواع تعدیل‌های اجتماعی را ضروری می‌سازد و یکی از این تعدیل‌ها تشدید تقسیم کار است. در نظریه‌ای دیگر، اسپنسر یک نوع الگوی تکامل اجتماعی را بر مبنای الگوی تکامل زیست‌شناختی پذیرفت. او که چندین سال قبل از اثر داروین درباره انتخاب طبیعی، اصطلاح بقای اصلح را ابداع کرده بود به این مسئله پرداخت که چرا برخی جوامع باقی می‌مانند و برخی دیگر نابود می‌شوند. او نظرش این بود که جوامع صالح‌تر باقی می‌مانند و از این طریق سطح قدرت تطبیقی کل جهان را بالا می‌برند. در بررسی نقدهایی که از نظریات تکاملی اسپنسر صورت گرفت، مشاهده شد که نظریات وی دارای اشکالات متعددی است و به دلیل همین کاستی‌ها، اسپنسر پس از دوران خود در میان جامعه‌شناسان به‌نسبت نامعجوب شد؛ اما بی‌شک که در زمان خود او به‌عنوان یک جامعه‌شناس مشهور شناخته شد و تلاش‌های او به رشد جامعه‌شناسی به‌عنوان یک رشته علمی کمک کرد.

همچنین نظریه تکاملی استاد مرتضی مطهری را می‌توان به‌صورت دو نظریه در نظر گرفت. ایشان در نخستین نظریه، جامعه را به موجود زنده تشبیه کردند و معتقد بودند

همان طوری که پیکر، مجموعه‌ای از اعضا و جوارح است و هر عضوی کار و وظیفه‌ای دارد، جامعه هم از مجموع افراد تشکیل می‌شود و مجموع کارهای مورد احتیاج جامعه به صورت شغل‌ها و حرفه‌ها میان اصناف و افراد تقسیم می‌شود؛ همچنین تفاوت‌هایی نیز بین این دو قائل شدند؛ برای نمونه یکی از موارد اختلاف را چنین بیان کردند که اعضای پیکر، هر کدام محل ثابت و مقام معلومی دارند، تغییر محل و مقام و پست و شغل نمی‌دهند، اما افراد اجتماع این طور نیستند؛ برای مثال هر کدام از چشم و گوش و دست و پا، یک عضوند و یک مقام ثابت و یک وظیفه دارند. ایشان در نظریه دوم بیان می‌کنند که انسان نوع واحد است و به اندازه‌ای که می‌توان از تکامل اجتماعی و تمدنی بشر در طول تاریخ سخن گفت، این امکان در باره تکامل زیستی او وجود ندارد.

در نهایت و مطابق با نتایج این پژوهش با وجود اینکه این دو اندیشمند به لحاظ فکری و هستی‌شناسی با هم متفاوت‌اند و یکی از این دو مادی‌گراست و دیگری به هر دو ساحت وجود آدمی توجه دارد، اما افزون بر افتراق‌ها، اشتراکاتی نیز دارند و اشتراک دیدگاه آنها، در تعریف از تکامل اجتماعی بیشتر با رویکرد جامعه‌شناختی مدنظر نویسندگان است؛ برای نمونه در این تعریف تکامل اجتماعی که به معنای تنوع و تقسیم کار بیشتر است؛ از دیدگاه استاد مطهری تکامل عبارت است از باز شدن، شکفته شدن، گسترده شدن، توسعه پیدا کردن و کارایی بیشتر پیدا کردن و از دیدگاه اسپنسر هر چه جوامع به سمت تقسیم کار بیشتر و تخصصی تر شدن کارها پیش بروند و روابط پیچیده‌تری به آنها حاکم گردد، کامل تر می‌شوند؛ همچنین در اعتقادداشتن به تکامل تک‌خطی با هم اشتراک دارند. از جمله افتراق‌ها را می‌توان به این صورت بیان کرد: از دیدگاه استاد مطهری تکامل اجتماعی از راه وفاق‌ها، همسازی‌ها و سازگاری‌های جمعی پدید می‌آید، نه از راه نزاع‌ها و تضادها، اما هربرت اسپنسر تکامل جامعه را نتیجه ستیزهای سیاسی و منطقه‌ای می‌داندست و معتقد بود کشمکش‌های اجتماعی مانند جنگ یا رقابت برای تکامل جامعه اهمیت محوری دارد؛ همچنین آن گونه که از نظریات هربرت اسپنسر بر می‌آید، تکامل به طور مستقل و خارج از مشیت الهی و یا قدرت دیگری انجام می‌گیرد؛ اما اندیشه استاد مطهری در وحی و فلسفه الهی

ریشه دارد. این چنین است که دیدگاه تکاملی استاد مطهری با محوریت ارزش‌های متفاوتی شکل می‌گیرد و معنای سعادت و کمال نیز از دیگر اندیشه‌ها تمایز می‌یابد؛ در واقع ایشان در عین پذیرش در هر دو ساحت وجود آدمی، با ارجاع به فطریات انسان و اولویت‌گرایی فطری بر امیال مادی، به نوعی فطرت را متغیر تعیین‌کننده و محور تحلیل خود در شکل‌دهی به الگوی تکامل و پیشرفت انسان و جامعه قرار داد.

فهرست منابع

۱. آزاد ارمکی، تقی. (۱۳۸۱). نظریه‌های جامعه‌شناسی. تهران: سروش.
۲. ازکیا، مصطفی؛ غفاری، غلامرضا. (۱۳۸۷). جامعه‌شناسی توسعه (چاپ هفتم). تهران: کیهان.
۳. باتومور، تامس برتون. (۱۳۵۶). جامعه‌شناسی (مترجمان: حسن منصور و حسن حسینی کلجاهی). تهران: شرکت سهامی کتاب‌های جیبی.
۴. ترنر، جانان‌تان؛ بیگلی، لئونارد. (۱۳۸۴). پیدایش نظریه جامعه‌شناختی (مترجم: عبدالعلی لهسایی‌زاده، چاپ اول). شیراز: نوید.
۵. تنهایی، حسین ابوالحسن. (۱۳۷۴). درآمدی بر مکاتب و نظریه‌های جامعه‌شناسی. تهران: انتشارات سمت.
۶. توسلی، غلام عباس. (۱۳۷۰). نظریه‌های جامعه‌شناسی. تهران: انتشارات سمت.
۷. حاجی صادقی، عبدالله. (۱۳۸۲). انسان کامل در اندیشه مطهری. فصلنامه علمی پژوهشی قیسات، ۸(۳۱-۳۰)، صص ۱۶۳-۱۸۶.
۸. حسین‌زاده یزدی، مهدی؛ حسینی روحانی، حمیده سادات. (۱۳۹۴). تکامل و پیشرفت انسان و جامعه از دیدگاه شهید مطهری. فصلنامه الگوی پیشرفت اسلامی و ایرانی، ۳(۵)، صص ۳۷-۵۸.
۹. شکاری، شیوا. (۱۳۸۶). خلاصه مباحث اساسی کارشناسی ارشد؛ مبانی و نظریه‌های جامعه‌شناسی، تهران: کتاب جوانان.
۱۰. کسلر، دیرک. (۱۳۹۴). نظریه‌های جامعه‌شناسان کلاسیک از اگوست کنت تا آلفرد شووتس (مترجم: کرامت‌الله راسخ، ج ۱). تهران: نشر جامعه‌شناسان.
۱۱. کنیگ، سامویل. (۱۳۴۹). جامعه‌شناسی (مترجم: مشفق همدانی). تهران: امیرکبیر.
۱۲. کوزر، لوئیس. (۱۳۷۹). زندگی و اندیشه بزرگان جامعه‌شناسی (مترجم: محسن ثلاثی، چاپ هشتم). تهران: علمی.

۱۳. مطهری، مرتضی. (۱۳۶۳). حق و باطل به ضمیمه احیای تفکر اسلامی. تهران: صدرا.
۱۴. مطهری، مرتضی. (۱۳۶۶). تکامل اجتماعی انسان. تهران: صدرا.
۱۵. مطهری، مرتضی. (۱۳۶۹). بیست گفتار. تهران: صدرا.
۱۶. مطهری، مرتضی. (۱۳۷۰). جهان‌بینی توحیدی. تهران: صدرا.
۱۷. مطهری، مرتضی. (۱۳۷۴). انسان در قرآن: قم: صدرا.
۱۸. مطهری، مرتضی. (۱۳۷۵ الف). علل گرایش به مادی‌گری. قم: صدرا.
۱۹. مطهری، مرتضی. (۱۳۷۵ ب). جامعه و تاریخ. قم: صدرا.
۲۰. مطهری، مرتضی. (۱۳۷۶). مجموعه آثار (ج ۱۳، چاپ سوم). تهران: صدرا.
۲۱. مطهری، مرتضی. (۱۳۹۰). مجموعه آثار (ج ۱، و ۳۶ و ۳۷ و ۴۴). تهران: صدرا.
۲۲. مطهری، مرتضی. (۱۳۹۲). انسان کامل. قم: صدرا.
۲۳. واگو، استفان. (۱۳۷۳). درآمدی بر تئوری‌ها و مدل‌های تغییرات اجتماعی (مترجم: احمدرضا غروی‌زاد). قم: انتشارات جهاد دانشگاهی.
24. Abraham, Francis & Morgan, John. H. (1985). *Sociological Thought from Comte to Sorokin*. Madras, Macmillan India Limited. Michigan State University: Wyndham Hall press .
25. Adams, Bert. N., & Sydie, R. A. (2001). *Sociological Theory*. California: Pine Forge Press.
26. Hartmann, Stefan. (2007). "Evolutionism", in *The Brill Dictionary of Religion*, edited by Kocku von Stuckrad, Revised edition of Metzler Lexicon Religion edited by Christoph Auffarth, Jutta Bernard and Hubert Mohr, Translated from German by Robert R. Barr, Leiden and Boston, Brill.
27. Dewan Mahboob, Hossain & Mustari, Sohela. (2012). A critical analysis of Herbert Spencer's theory of evolution. *Postmodern Openings*, 3(2), pp. 55-66. University of Dhaka, Bangladesh, International Islamic. University Malaysia.
28. Munch, Richard. (1994). *Sociological Theory from the 1850s to the 1920s*. Volume 1, Chicago: Nelson-Hall Publishers.

29. Murray, Robert, Henry. (1929). *English Social and Political Thinkers of the Nineteenth Century*. Vol. 2, Cambridge: W. Heffer & Sons Ltd. Original from the University of California.
30. Nicholas, Sergeyeveitch, Timasheff. (1967). *Sociological Theory: Its Nature and Growth*. U.S.A Random House. 3rd edition. The University Fordham.
31. Szacki, Jerzy. (1979). *History of Sociological Thought*. Connecticut: Aldwych Press. The University of Michigan.

References

1. Abraham, F., & Morgan, J. H. (1985). *Sociological Thought from Comte to Sorokin*. Madras, Macmillan India Limited. Michigan State University: Wyndham Hall press.
2. Adams, B. N., & Sydie, R. A. (2001). *Sociological Theory*. California: Pine Forge Press.
3. Azad Armaki, T. (1381 AP). *Sociological Theories*. Tehran: Soroush. [In Persian]
4. Azkia, M., & Ghaffari, Q. R. (1387 AP). *Development Sociology* (7th ed.). Tehran: Keihan. [In Persian]
5. Bottommore, T. B. (1356 AP). *Sociology* (H. Mansour., & H. Hoseini, Trans.). Tehran: Pocket books joint stock company. [In Persian]
6. Coser, L. (1379 AP). *The life and thought of great sociologists* (Vol. 8, M. Solasi, Trans.). Tehran: Elmi. [In Persian]
7. Dewan Mahboob, H., & Mustari, S. (2012). A critical analysis of Herbert Spencer's theory of evolution. *Postmodern Openings*, 3(2), pp. 55-66.
8. Haji Sadeqi, A. (1382 AP). A perfect human being in Motahari's thought. *Qabasat*, 8(31-30), pp. 163-186. [In Persian]
9. Hartmann, S. (2007). "Evolutionism", in *The Brill Dictionary of Religion*, edited by Kocku von Stuckrad, Revised edition of Metzler Lexicon Religion edited by Christoph Auffarth, Jutta Bernard and Hubert Mohr, Translated from German by Robert R. Barr, Leiden and Boston, Brill.
10. Hosseinzadeh Yazdi, M., & Hosseini Rouhani, H. (1394 AP). Evolution and progress Man and society from the point of view of martyr Motahari. *Iranian Pattern of Progress*, 3(5), pp. 37-58. [In Persian]
11. Kessler, D. (1394 AP). *The theories of classical sociologists from Auguste Comte to Alfred Shutes* (Vol. 1, K. Rasekh, Trans.). Tehran: Sociologists. [In Persian]
12. Koenig, S. (1349 AP). *Sociology* (M. Hamdani, Trans.). Tehran: Amirkabir. [In Persian]
13. Motahari, M. (1363 AP). *Right and wrong to the appendix of revitalizing Islamic thought*. Tehran: Sadra. [In Persian]

14. Motahari, M. (1366 AP). *Human social evolution*. Tehran: Sadra. [In Persian]
15. Motahari, M. (1369 AP). *Twenty speeches*. Tehran: Sadra. [In Persian]
16. Motahari, M. (1370 AP). *Monotheistic worldview*. Tehran: Sadra. [In Persian]
17. Motahari, M. (1374 AP). *Man in the Qur'an*. Qom: Sadra. [In Persian]
18. Motahari, M. (1375 AP a). *Causes of tendency to materialism*. Qom: Sadra. [In Persian]
19. Motahari, M. (1375 AP b). *Society and history*. Qom: Sadra. [In Persian]
20. Motahari, M. (1376 AP). *Collection of works* (3rd ed., Vol. 13). Tehran: Sadra. [In Persian]
21. Motahari, M. (1390 AP). *Collection of works* (Vols. 1, 36, 37 & 44). Tehran: Sadra. [In Persian]
22. Motahari, M. (1392 AP). *Perfect human*. Qom: Sadra. [In Persian]
23. Munch, R. (1994). *Sociological Theory from the 1850s to the 1920s* (Vol. 1). Chicago: Nelson-Hall Publishers.
24. Murray, Robert, Henry. (1929). *English Social and Political Thinkers of the Nineteenth Century* (Vol. 2). Cambridge: W. Heffer & Sons Ltd. Original from the University of California.
25. Shekari, Sh. (1386 AP). *Summary of the basic subjects of the master's degree; Basics and theories of sociology*. Tehran: Youth book. [In Persian]
26. Szacki, J. (1979). *History of Sociological Thought*. Connecticut: Aldwych Press. The University of Michigan.
27. TanhaEi, H. A. (1374 AP). *An introduction to the schools and theories of sociology*. Tehran: Samt. [In Persian]
28. Tavasoli, Q. A. (1370 AP). *Sociological Theories*. Tehran: Samt. [In Persian]
29. Timasheff, N. S. (1967). *Sociological Theory: Its Nature and Growth*. U.S.A Random House.
30. Turner, J., & Bigley, L. (1384 AP). *The emergence of sociological theory* (Vo.1, A, Lahsaei Zade, Trans.). Shiraz: Navid. [In Persian]
31. Wago, S. (1373 AP). *An introduction to the theories and models of social changes* (A. R. Gharavizad, Trans.). Qom: Academic Center for Education, Culture and Research [In Persian].